

بسم الله الرحمن الرحيم

سعودی از قارون پند نگرفته و له له زنان در پس امریکا روان است



(ترجمه)

به‌رغم تلاش‌های بریتانیا و فرانسه برای کنار زدن امریکا از توافق‌نامه‌های پترول در مستعمراتی که طبق توافق‌نامه "سان ریمو" در سال 1921م انعقاد شده بود، شرکت "استندرد آیل" کالیفورنیای امریکا، موفق به کسب امتیاز حفاری نفت در بحرین و سپس در سال 1933م در سعودی شد که شرکت "آرامکو" را هسته‌گذاری نمود؛ شرکتی که بعدها شرکت‌های دیگر امریکائی مثل "تگزاس آیل"، "اکسون" و "موبیل آیل" به ترکیب آن داخل گردیدند. و به این ترتیب، مجموعه شرکت‌های نفتی بزرگی در خلال امتیاز اسهام خویش در سعودی، تشکیل شدند. و این شرکت‌ها تمام عواید حاصله از نفت را به خود اختصاص داده بودند تا این‌که در سال 1950م "ملک عبدالعزیز" شرکت نفت امریکائی را تهدید نمود که اگر در نیمی از مفاد این شرکت وی را سهم نسازند، شرکت نفت را "ملی" خواهد ساخت.

در نهایت دولت امریکا به‌منظور جبران مفادی که به سعودی پرداخته می‌شد، مجبور شد تا شرکت‌های عضو آرامکو را از مالیات معاف نماید. مگر سعودی از آغاز جنگ در اکتبر سال 1973م که در سال 1988م پایان یافت، تمام اسهام شرکت‌های امریکائی را به خود تخصیص داد چنان‌چه آرامکو به تملک کامل سعودی در آمده و نام آن‌هم به "سعودی آرامکو" تغییر داد.

آرامکو یا سعودی آرامکو در حال حاضر بزرگ‌ترین شرکت در جهان محسوب می‌شود چنانچه ارزش آن در سال 2005م تقریباً 781 میلیارد دلار تخمین زده شده و بزرگ‌ترین میدان نفتی روی زمین را در سرزمینی بی آب و علف "میدان نفتی غوار" و بزرگ‌ترین میدان نفتی زیر آب را "میدان نفتی سفانیه" در اختیار دارد.

امریکا مطمئناً نمی‌خواست که سعودی خود صنعت نفت را به دست گیرد هرچند که جایگاه بازاریابی و قیمت گذاری نفتی خود را حفظ کرد. چنانچه ویلیام سافیر، سفیر امریکا در دهه هشتاد قرن گذشته، این خشم امریکا را تحت عنوان "نباید ثروت نفت تحت تسلط شاهان و شهزاده گانی قرار گیرد که اهمیت عظیم آن را درک نمی‌کنند" ابراز نمود و خواهان تغییر تدریجی و تریه طبقه معتدل، تحصیل کرده و توانا به مدیریت، حکومت، سیاست و اقتصاد در سعودی شد. مگر شرایط سیاسی و اشغال چوکی‌های قدرت توسط مزدوران انگلیس، به امریکا اجازه نداد که به شکل مؤثری کنترل توان نفتی در عربستان سعودی را به دست گیرد. با آنهم سیاست کاهش قیمت نفت را در سال‌های پسین به شکل ملموسی در پیش گرفت. و منجر به کاهش ذخایر نفت و ظهور شکاف مالی در عربستان سعودی شد بدون آنکه منافع شاهزاده‌گان و شیوخ تحت تأثیر کاهش قیمت نفت قرار گیرد. دولت برای جبران کاهش قیمت نفت؛ در عوض کاهش بودجه شاهزاده‌گان، بودجه دولت را کاهش داد.

پس از آنکه ترامپ به حیث رئیس جمهور امریکا تعیین شد، با تمام توان، تلاش نمود تا محمد بن سلمان قدرت را در سعودی به دست گیرد. این در حالی بود که این شاهزاده به ترامپ تعهد سپرده بود که تمام خساراتی که امریکا در خلال بازگرداندن آرامکو به سعودی متحمل شده است را جبران کند.

سلمان و پدر اش با پرداخت بالغ بر 500 میلیارد دلار را در قالب معاملات تجاری، هدایا و اعانه به امریکا کمک نمودند. این رقم جزء مفادی بود که شرکت‌های امریکائی در جریان ملی سازی شرکت امریکائی آرامکو، از دست داده بودند. ولیعهد سعودی و پدر اش به این هم اکتفاء نمودند بلکه عمداً قانون ملی سازی نفت را که "ملک فیصل" در سال 1973م آغاز و تا سال 1988م به اكمال رساند، نقض کردند. محمد بن سلمان تصمیم گرفته است که تقریباً از نصف سهام شرکت آرامکو سعودی از طریق فروش آن به شرکای استراتژیک که قطعاً شرکت‌های بزرگ امریکائی است، کنار رود.

10 ملیار دلار را عربستان سعودی از بانک‌های جهانی (HSBC - JPMorgan Chase - Bank of Tokyo Mitsubishi) قرض گرفت و قرار است که 31 میلیارد دلار دیگری را در خلال سال جاری برای سرپوش گذاشتن به کسری بودجه که انتظار می‌رود بالغ بر 52 میلیارد دلار باشد، قرض بگیرد، این همه نتیجه طبیعی اهمال در مهم‌ترین منابع مالی عربستان سعودی یعنی نفت و گاز است.

سعودی در زمان کاهش قیمت نفت در عوض جلوگیری از اسراف شاهزاده‌گان که نمی‌توان ابعاد اسراف و بی‌بندوباری آن‌ها را توصیف نمود، در عوض عدم باج دهی به امریکا، متحدان و مزدوران‌اش و در عوض به‌کارگیری منابع نفتی به اشکال اقتصادی اش تا وی را قادر سازد به جای کمبودی قیمت نفت از آن استفاده نماید، با بی‌شرمی تمام به باج دادن بیش‌تر اموال امت و فرزندان‌اش پرداخت. بدتر از آن این‌که فروش سهام زیادی را از شرکت نفت سعودی امریکائی اعلام نموده و بزرگ‌ترین دروغ تاریخ معاصر را

تحت نام "مبارزه با فساد" اختراع نمود که توسط آن شاهزاده‌گان و یک‌تعداد از کارمندان را دستگیر نمود و هنوز هم تلاش می‌کند که دارائی‌های شان را مصادره نموده و به امریکا-که خود را صاحب این دارائی می‌داند- مسترد نماید. چنانچه ترامپ این مسئله را بارها تکرار نموده است.

در این جا باید تذکر داد که در سیاست اقتصادی، تکیه نمودن به نفت به‌حیث منبع اصلی دارائی، اشتباهی خطرناک است. پول نفت باید به‌عنوان منبع تأمین مالی برای پروژه‌های صنعتی مورد توجه قرار گیرد تا این‌که صنعت به‌حیث اساس تولید مالی و ساختار اقتصادی قرار گیرد. بسیاری از کشورها هستند که نفت ندارند ولی صنعت را در اختیار دارند مثل ایتالیا و اسپانیا و به مراتب عواید بیشتری از عواید نفت سعودی دارند.

در نتیجه، سعودی مسیری را طی می‌کند که وی را از مسیر درست بیشتر دور خواهد کرد و قادر نخواهد بود تا پول نفت را به یک اقتصاد واقعی تبدیل کند تا حدی که بتواند وی را در صف کشورهای صنعتی قرار دهد. هم‌چنان قادر به رهائی از سلطه امریکا نبوده و در نتیجه هزینه‌های جنگی امریکا را پرداخت نموده و به جنگ‌هایش همراه کشورها و شکل دادن مناطق مبادرت می‌ورزد. قبل از همه این کشور به‌رغم ادعای چند دهه‌اش مبنی بر تمسک به اسلام و احکام آن، از اندیشه ناب اسلامی، مفهوم اموال، سیاست و اقتصاد اسلامی بهره‌ای نبرده است. الله سبحانه و تعالی کسانی را که مال حلال و حرام را یکجا خورده و دارائی و اموال را بر آخرت ترجیح می‌دهند، کسانی که اموال خود را به‌خاطر ریاء صرف می‌کنند نه به‌خاطر رضایت او سبحانه و تعالی، کسانی که به کثرت مال مباحات کرده و از قارون و آنچه اندوخته بود پند نمی‌گیرند، هشدار داده است. چنانچه الله سبحانه و تعالی دقیق‌ترین توصیف را در حق قارون نموده و می‌فرماید:

﴿فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ \* وَأَصْحَابَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيُكَانُّ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْ لَا أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيُكَانُّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ \* تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾

ترجمه: سپس ما او را و خانه‌اش را به زمین فرو بردیم، و گروه و دسته‌ای نداشت که او را در برابر الله یاری دهند(و وی را از عذاب الهی برهانند)، و خود نیز نتوانست خویشانش را کمک کند. آنانی که دیروز آرزو می‌کردند به جای او باشند(هنگامی که این صحنه دلخراش را دیدند)، گفتند: وای! انگار الله روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواهد گسترش می‌دهد و برای هر کسی که بخواهد روزی را تنگ و کم می‌گرداند(و چرا ما از این واقعیت غافل بودیم که داشتن و نداشتن مادیات، وسیله آزمایش مردمان است و پس؟! ). اگر الله بر ما منت نمی‌نهاد(و تفضل نمی‌فرمود، آرزوی دیروزی ما را برآورده می‌کرد، و امروز همچون قارون) ما را(به دل زمین) فرو می‌برد. وای! انگار کافران رستگار نمی‌گردند(و حتماً عذاب الله دیر یا زود گریبانگیرشان می‌شود). ما آن سرای آخرت را تنها بهره‌کنسانی می‌گردانیم که در زمین خواهان تکبر و استکبار نیستند و فساد و تباهی نمی‌جویند(و دل‌هایشان از آلودگی‌های مقام‌طلبی و شهرت‌طلبی و بزرگ‌بینی و تباہکاری، پاک و پالوده است)، و عاقبت از آن پرهیزگاران است.

نویسنده: دکتر محمد الجیلانی

منبع: جریده الرايه

٢٩ جمادى الاول ١٤٣٩ هـ.ق

١٤ فيرورى ٢٠١٨ م